

چگونگی و دلایل موفقیت بنگلادش در حوزه نساجی و پوشاک

تهیه، تنظیم و گردآوری: نگین سادات همتی

تولیدی آن را دوباره به بنگال صادر می‌کرد. در دهه ۱۹۶۰، کارآفرینان محلی بنگال، کارخانه‌های بزرگ نساجی و تولید جوت خود را راه‌اندازی کردند اما پس از جدایی این کشور از پاکستان غربی، بنگلادش تازه تاسیس شده، دسترسی خود به سرمایه و تخصص فنی را از دست داد. تا زمان آزادی کامل بنگلادش در سال ۱۹۷۱، بخش نساجی آن عمدتاً جزئی از فرآیند صنعتی سازی جایگزین واردات ISI بود و پس از آن، صنعتی سازی صادرات محور (EOI) با تمرکز بر صنعت نساجی به ویژه بخش پوشاک آماده جایگزین آن شد. یکسال بعد، دولت وقت بنگلادش، فرمان ملی شدن شرکت‌های نساجی را صادر کرد و کارخانه‌های نساجی خصوصی را در اختیار گرفت و همه را زیر مجموعه شرکتی دولتی به نام کارخانه‌های نساجی بنگلادش BTMC کرد؛ اما BTMC هرگز نتوانست با تولیدات نساجی پیش از سال ۱۹۷۱ این کشور برابری کند و هر سال دچار کمبود بودجه و ضرر و زیان میشد.

در قحطی ویرانگر سال ۱۹۷۴، یک میلیون بنگلادشی به دلیل گرسنگی و قحطی ناشی از سیل رودخانه برهماپوترا جان خود را از دست دادند و دولت بنگلادش، در پاسخ به

و فشن غربی، تولید محصولات خود را به کارخانجات بنگلادشی برونسپاری می‌کنند.

*تاریخچه صنعت نساجی در بنگلادش

پیشینه صنعت نساجی در بنگلادش به قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی و دوران سیطره مغولها بر این کشور باز می‌گردد، زمانی که پنبه، موسلین و ابریشم منطقه بنگال به سراسر جهان صادر می‌شد.

در دوران استعمار بنگال توسط بریتانیا، این کشور، پنبه خام بنگال قحطی زده را بدون مالیات یا تعرفه به کارخانجات نساجی بریتانیایی منتقل کرده و اغلب منسوجات

بخش نساجی و پوشاک، از زمان استقلال بنگلادش، اصلیت‌ترین منبع رشد و توسعه سریع اقتصادی این کشور بوده است. ظهور بنگلادش به عنوان دومین صادرکننده بزرگ محصولات پوشاک آماده RMG (محصولات نهایی کارخانجات پوشاک بنگلادش) در جهان پس از چین، به طور قابل توجهی برای جمعیت بالای این کشور، به خصوص صدها هزار زن روستایی بنگلادشی اشتغالزایی کرده است.

این کشور همچنین دومین صادرکننده بزرگ پوشاک برای برندهای فست فشن (Fast Fashion) در غرب است، به طوری که بسیاری از برندهای شناخته شده در عرصه مد





به این کار هستند.

* کلیدی ترین عوامل رشد صنعت پوشاک در بنگلادش

در سال ۱۹۷۴ قراردادی به نام «چند الیافی یا MFA» در آمریکای شمالی امضا شد که سهمیه هایی را بر صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته اعمال می کرد.

این قرارداد شامل ۴ کشور تازه صنعتی شده آسیا (کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و هنگ کنگ) نیز میشد که منبع منسوجات پنبه ای بودند و پس از استقلال از استعمارهای خود رشد اقتصادی بسیار خوبی را تجربه کرده بودند. در نتیجه این سهمیه بندی ها، کارآفرینان این کشورها که دارای محدودیت سهمیه ای برای صادرات منسوجات خود شده بودند (به خصوص کره جنوبی) به دنبال دور زدن این سهمیه ها از طریق کشورهای بدون سهمیه از جمله بنگلادش (افتاده و تلاش کردند تا این کشورها را به سایت جدیدی برای تولید منسوجات خود تبدیل کنند.

صنعت پوشاک صادرات محور، در این زمان در بنگلادش ظهور کرد. شرکت دوو کره جنوبی، اولین شرکتی بود که با سرمایه گذاری مشترک با شرکت DESH GARMENT LTD این مسیر را در بنگلادش آغاز کرد و آن رابه اولین شرکت پوشاک صادرات محور بنگلادش تبدیل کرد.

در طی تنها یک سال، ۱۳۰ سرپرست و مدیر DESH در کارخانه پوشاک آماده دوو در کره جنوبی به طور رایگان در زمینه تولید و بازاریابی آموزش دیدند. ۱۱۵ نفر از این افراد، پس از اتمام آموزشهای خود از DESH جدا شده و شرکت های صادراتی خصوصی جداگانه ای را راه اندازی کرده یا به شرکتهای صادرات محور جدیدی که به تازگی شکل

صادرات این کشور ۳ درصد است. تقاضا برای این محصول بنگلادش از ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ به دلیل کشت مستقل آن در دیگر کشورها کاهش پیدا کرد و بازار آن توسط تقاضا برای پلاستیک و کف جایگزین شد. در سال ۲۰۱۰ دولت این کشور اقداماتی از جمله الزامی نمودن استفاده از کیسه های جوت، برای بسته بندی برنج، شکر، گندم، کود و غذای حیوانات برای تولیدکنندگان و فروشندگان عمده این اقلام و همچنین مشوق های مالی برای حمایت از حفظ این بخش صنعت خود انجام داد.

با افزایش تقاضا برای پارچه های طبیعی و زیست تخریب پذیر، بخش خصوصی در بنگلادش باری دیگر به جوت علاقه نشان داد. به علاوه «مرکز تحقیقات الیاف طلایی جوت» جوت بنگلادش را به تولید کنندگان خودرو در آلمان صادر می کند. از سال ۲۰۱۸ بنگلادش حدود ۱۰ درصد از تقاضای صنایع خودرو را برای جوت برآورده میکند. برای مثال، NATUP FIBERS شرکتی مستقر در فرانسه است که به تولید قطعات داخلی خودروها می پردازند و در حال حاضر به دنبال جایگزین کردن الیاف کتان با الیافی مقرون به صرفه تر است.

در سال ۲۰۱۸ مدیر ارشد علمی شرکت میلز جوت بنگلادش، پلیمری بر پایه جوت ابداع کرد که می تواند برای تولید کیسه های پلاستیکی زیست تخریب پذیر به نام SONALI BAGS استفاده شود. جوت توسا (Tossa) (بهترین جوت بنگلادش از لحاظ کیفیت محسوب میشود و در ۷/۵ هکتار و ۱۰ درصد از مساحت کشاورزی کشور کشت می شود. این کشور دارای بیش از ۲۰۰ رودخانه و آبراه برای فرآوری جوت خام است. در حال حاضر حدود ۷۰۰ تولید کننده جوت با ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر در کشور مشغول

پیامدهای اقتصادی و سیاسی این قحطی، مجبور به تغییر سیاست های عمومی خود از اقتصاد سوسیالیستی، به غیر ملی کردن، کاهش نقش بخش دولتی در صنعت نساجی و تشویق بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در آن شد.

بر اساس این رویکرد جدید صنعتی بنگلادش (NPI)، ۳۳ کارخانه جوت و ۲۷ کارخانه نساجی به صاحبان اصلی خود بازگردانده شد.

سیاست جدید دولت در این سال برای سرمایه گذاری در بخش پوشاک و نساجی، باعث احیاء حقوق سرمایه گذاران خصوصی و خارجی شد.

در نتیجه این تغییرات، مدل توسعه بنگلادش از حالت سرمایهداری و توسعه صنعتی تحت حمایت دولت با شرکتهای عمدتاً دولتی (SOE به «رشد صنعتی تحت رهبری بخش خصوصی» تغییر کرد. تا سال ۱۹۷۸، تنها ۹ واحد تولیدی پوشاک بنگلادش از محصولات خود صادرات داشتند.

دولت بنگلادش به مرور شروع به درک پتانسیل خود در شکوفایی این صنعت کرده و محرک های توسعه ای را از جمله ارائه ماشین آلات وارداتی و مواد خام بدون عوارض گمرکی، تاسیس انبار اوراق قرضه و مشوق های نقدی به سرمایه گذاران این بخش ارائه کرد.

* جوت

قدمت صنعت جوت بنگلادش، به دوران رشد شرکت «هند شرقی» در هند بازمی گردد. در سال ۲۰۲۱ بنگلادش دومین تولیدکننده بزرگ جوت اعلام شد که ۴۲ درصد از کل تولید جهانی و بیشترین صادرات آن را در جهان در اختیار دارد. میانگین تولید سالانه جوت در بنگلادش یک میلیون تن، میزان صادرات آن به جهان بیش از یک میلیارد دلار و سهم آن GDP بنگلادش ۱ درصد و در میزان کل



عمدتاً بر اتحادیه اروپا (نزدیک به ۶۲ درصد) و بر ایالت متحده (نزدیک به ۱۸ درصد) متمرکز بوده است.

تحقیقات محققان شرکت‌های پوشاک بنگلادشی نشان می‌دهد در طی دوران MFA، تنها ۲۱ شرکت از ۵۲ شرکت صادر کننده پوشاک

این کشور به بازار سومای خارج از این دو منطقه صادرات داشته‌اند. این مقدار در دوران پس از MFA، به ۶۶ شرکت از ۶۹ شرکت رسید که نشان دهنده رشد وسعت و توسعه این صنعت بخصوص پس از دوران MFA است

صنایع نساجی و پوشاک بنگلادش، علیرغم جایگاه خوب خود در رتبه‌بندیهای جهانی، با چالش‌های متعددی نیز همچون ضعف دولت در

حوزه نظارت و مدیریت و آشفتگیهای سیاسی کشور روبرو بوده‌اند که ادامه مسیر را به روش‌های موجود دشوار و تا حدودی غیر ممکن میکند. علاوه بر این، از آنجا که پیمانکاری فرعی، جزء اصلی صنعت RMG در بنگلادش است، بسیاری از شرکت‌های غربی با کارخانه‌های بنگلادشی قرارداد امضا می‌کنند تا در زمان‌های مشخصی از سال، مقادیر مشخصی از حجم تولید آنها را به خود اختصاص دهند. فشار ناشی از حجم بالای سفارشات و نحوه تعامل کارخانه‌های بنگلادشی با این برندها، همواره چالش‌های بزرگی در زمینه ایمنی، سلامت و رضایت کارگران و مدیریت سفارشات به همراه داشته است.

*** بی‌توجهی به منابع انسانی و عواقب ارزان‌نی نیروی کار**

هنگامی که صحبت از شرایط و دستمزدهای ناعادلانه کارگران می‌شود، آمار صنعت

، به خصوص به علت افزایش رقابت با چین، بیشترین آسیب را متحمل شود. با این حال، صنعت پوشاک این کشور مزیت منحصر به فردی نسبت به سایر رقبای خود در اختیار داشت که مانع از افت تولید و صادرات آن شد؛ نیروی

کار بنگلادش حتی در مواجهه با دیگر غولهای اقتصادی این حوزه، «ارزانتر از هر جای دیگری در جهان» بود. با وجود کاهش دستمزد و اخراج کارکنان در برخی کارخانه‌های کوچکتر، این صنعت توانست خود را در سطح پیشین نگه داشته و سفارشات برندهای خارجی را حتی پس از انقضای MFA ادامه دهد.

هزینه کم نیروی کار اصلی‌ترین عامل پایداری موفقیت این صنعت در بنگلادش است. بر اساس گزارشی که شرکت مشاوره بین‌المللی MCKINSEY & COMPANY در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد، تا ۸۰ درصد از شرکت‌های پوشاک آمریکایی و اروپایی قصد داشتند برون‌سپاری تولیدات خود را به دلیل افزایش دستمزد کارگران در چین، کشوری که برای مدتها به دستمزد بسیار کم کارگران و قیمت تمام شده پایین تولیدات خود معروف بود، از این کشور به کشور دیگری منتقل کنند و بنگلادش را برای اینکار گزینه مناسبی می‌دیدند.

*** سیاستگذاری تجاری مناسب**

دسترسی به بازارهای جدید و سیاست‌های تجاری مناسب نیز در رشد صنعت پوشاک این کشور نقش داشته‌اند. در یک دهه اخیر، تنوع بخشیدن به شرکای تجاری و حرکت به سمت محصولات پیچیده‌تر و خدمات با ارزش افزوده بالاتر استراتژی کلیدی بخش پوشاک این کشور برای ارتقاء شرایط خود بوده است.

تا سال ۲۰۲۰، صادرات پوشاک بنگلادش

گرفته بودند و کارخانه‌های پوشاک جدید در بنگلادش با حقوق بسیار بالاتر از آنچه در DESH دریافت می‌کردند، پیوستند. این عامل در کنار عوامل دیگری از جمله دسترسی بازار ترجیحی به بازارهای اروپایی منجر به رونق صادرات پوشاک بنگلادش در اواخر دهه ۱۹۷۰ شد.

در سال ۱۹۸۵، آمریکا و کانادا سهمیه‌های وارداتی خود را بدون توافق بین‌المللی با کشورهای دیگر، بر منسوجات بنگلادشی نیز اعمال کردند. با این حال بنگلادش هر سال تقاضا برای سهمیه‌های اعمال شده را برآورده میکرد و توانست با موفقیت، برای دریافت سهمیه‌های بالاتر در سالهای بعدی با این کشورها مذاکره کند.

از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، موافقتنامه WTO در مورد منسوجات و پوشاک به اجرا درآمد که در آن، کشورهای صنعتی برای صادرات کمتر منسوجات خود و افزایش سهمیه صادرات منسوجات کشورهای کمتر صنعتی شده با یکدیگر توافق کردند. در طول این قرار داد ۱۰ ساله، اقتصاد بنگلادش از دسترسی بدون سهمیه به بازارهای اروپایی و سهمیه‌بندی مطلوب برای بازار آمریکا و کانادا بهره‌مند بود. ایالات متحده در سال ۲۰۰۹، قانون کمک‌های تعرفه‌ای برای اقتصادهای در حال توسعه را معرفی کرد که براساس آن، بنگلادش به عنوان یکی از ۱۴ کشور کمتر توسعه یافته (LDC) که توسط سازمان ملل متحد و وزارت خارجه آمریکا تعریف شده بود، واجد شرایط دسترسی بدون عوارض گمرکی برای پوشاکی که در آن کشورها مونتاژ و بعد به ایالات متحده صادر شوند؛ معرفی شد و تا سال ۲۰۱۹ به آن پایبند ماند

*** هزینه پایین نیروی کار بنگلادش**
انتظار میرفت بنگلادش، از پایان یافتن MFA

دهه اخیر، تا حد زیادی مدیون تراژدیهای است که در محیط کارگاههای تولیدی آن اتفاق افتاده و جان هزاران کارگر این بخش را گرفت. صنعت نساجی بنگلادش و سرمایه‌گذاران آن پس از وقوع چندین آتش‌سوزی و ریزش ساختمان‌های مربوط به این بخش، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و نگرانی‌های بسیاری برای امنیت کارگران و

ایمنی شرایط کار آنها در این صنعت به وجود آمد. اقداماتی برای اطمینان از شرایط کاری بهتر آنها انجام شده است اما بسیاری همچنان بر این باورند که دولت باید نسبت به افزایش برقراری استانداردهای ایمنی کار اطمینان حاصل کرده و کارهای بیشتری انجام دهد.

نمونه‌ای از این حادثه‌های ذکر شده، فروریختن ساختمان کارخانه پوشاک رانا پلازا در سال ۲۰۱۳ و در حومه داکا (پایتخت بنگلادش) بود که موجب کشته شدن ۱۱۰۰ نفر و مجروحی ۲۶۰۰ نفر از کارگران آن شد. فرو ریختن رانا پلازا کمتر از ۹۰ ثانیه طول کشید و در روزهای قبل از وقوع فاجعه، کارگران ایجاد ترک‌هایی در دیوار ساختمان را گزارش کرده بودند. این حادثه موجب نگرانی بخشی از اهوان عمومی و فعالان حقوق بشر در مورد خطرات به اصطلاح «فست مد» برای کارگران بخش پوشاک شده و مصرف کنندگان غربی را تا حد کمی وادار به خرید پایدارتر پوشاک خود کرد.

کمتر از یک سال پیش از این حادثه، آتش سوزی در کارخانه مُد تَزَرین جان ۱۱۲ نفر دیگر را نیز گرفته بود.

ده سال پس از حادثه فروریختن کارخانه پوشاک رانا پلازا، که از آن به عنوان مرگبارترین حادثه تاریخ کارخانه‌های پوشاک یاد می‌شود، اقداماتی از جمله امضای توافقنامه آتش‌سوزی و ایمنی ساختمان توسط دهها شرکت امضا



همچنان وجود دارد. نزدیک به ۴/۵ میلیون نفر در بخش نساجی و پوشاک بنگلادش مشغول به کار هستند که ۵۴ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهند. کارگران زن در بخش نساجی عمدتاً در مشاغل زیردست و کم‌دستمزد استخدام می‌شوند و اغلب آنها را زنان جوان روستایی تشکیل می‌دهند که به دلیل تحصیلات پایین و نبود شغل در مناطق خود، مجبور به مهاجرت به شهرها برای کسب درآمد شده‌اند.

درآمد ماهانه آنها به طور میانگین ۷۹/۳۹ یورو در ماه و ۲۵ درصد پایین‌تر از همکاران مرد خود است. این رقم بسیار پایین‌تر از حداقل سطح معیشت بوده و آمارها نشان می‌دهند حداقل درآمد مورد نیاز برای زندگی راحت در بنگلادش نزدیک به ۳۹۹,۲۶ یورو در ماه می‌باشد. در نتیجه اغلب زنان کارمند در این صنعت تا ۵۲ ساعت اضافه در ماه کار می‌کنند و بیش از نیمی از این افراد، در نظرسنجی اعلام کرده‌اند در صورت عدم اضافه کاری با جریمه مواجه خواهند شد. علاوه بر زنان، کودکان نیز در نیروی کار بنگلادش حضور دارند. طبق آمار موجود، ۴/۳ درصد از کودکان بنگلادش بین ۵ تا ۱۴ سال نیز برای کمک به خانواده خود به خصوص در صنعت پوشاک مشغول به کار هستند.

* ضعف ایمنی و امنیت فضای کار

دگرگونی بخش پوشاک بنگلادش در یک

نساجی و پوشاک بنگلادش بسیار نگران کننده است. نیروی کار بنگلادش ارزانترین دستمزدها را در جهان داشته و این موضوع، خود باعث فشار بیش از حد بر طبقه کارگر این کشور شده است. در شاخص حقوق جهانی کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری، بنگلادش به عنوان یکی از ۱۰ کشور بسیار ضعیف در این زمینه شمرده می‌شود.

در حال حاضر، بیش از ۴ میلیون کارگر تنها در بخش پوشاک بنگلادش و با اکثریت بانوان در حال کار هستند. بسیاری از کارخانه‌های نساجی در بنگلادش به دلیل فشار شدید شرکت‌های سفارش‌دهنده غربی برای تعیین ضرب‌الاجل‌های فشرده خود، سلامت و ایمنی کارگران را به خطر می‌اندازند. به علاوه، این تامین‌کنندگان، با پایین نگه داشتن هزینه‌ها و قیمت نهایی محصولات خود نیز، سعی بر راضی نگه داشتن برندها دارند، عاملی که به اعتراضات و فشار بیش از پیش بر کارگران انجامیده است. راه‌های زیادی نیز برای شکایت کارگران از فشار کاری و دستمزد بسیار پایین خود وجود ندارد زیرا تقریباً هیچ یک از ۴۰۰۰ کارخانه پوشاک بنگلادش، دارای بخش منابع انسانی نبوده و مقامات محلی نیز اغلب چشم خود را بر تخلفات رخ داده می‌بندند. یک روز کاری عادی برای یک کارگر بنگلادشی بخش پوشاک، بین ۱۰ الی ۱۲ ساعت به طول می‌انجامد و در زمان اوج شلوغی‌های کاری کارخانجات، کارگران ممکن است یک شیفت کاری را تا ساعت ۲ بامداد نیز به پایان نرسانند. تمام اینها با وجود عضویت بنگلادش در سازمان بین‌المللی کار ILO از سال ۱۹۷۲ است.

با وجود افزایش نرخ مشارکت زنان در نیروی کار بنگلادش، از ۲۶ درصد در سال ۱۹۹۱، به ۶۱ / ۴۲ درصد در سال ۲۰۲۲، اعتراضات به تبعیض و نابرابریهای جنسیتی در میان کارگران



*جمع بندی

همانطور که مشاهده شد، بنگلادش نیز، مانند هر کشور دیگری در جهان، دارای نقاط قوت و ضعفی در اداره امکانات و جمعیت زیاد خود میباشد. در این مطالعه، تلاش شده است تا از سرمایه‌گذاری‌های خارجی تا حمایت داخلی از منابع موجود، وجوه متفاوتی از مسیر پر چالش‌رشد بنگلادش در حوزه نساجی و پوشاک به نمایش گذاشته شود.

هزینه‌های رقابتی نیروی کار، توافق‌های تجاری و توجه به تقاضای رو به رشد جهانی برای مد پایدار، عوامل کلیدی موثر در مسیر طی شده توسط بنگلادش است. در حالی که مسائلی از جمله کمبود زیرساختها، مسائل محیط زیستی و نگرانی‌های اتحادیه‌های کارگری برای ایمنی و سختی شرایط کاری کارگران وجود دارد، پیگیری و سازگاری تولیدکنندگان محلی به آنها این امکان را داده است تا موانع متعدد مسیر خود را پشت سر بگذارند. در این راستا، حمایت دولت و سرمایه‌گذاری در بخش فناوری نیز رشد این بخش را تقویت کرده است. با بهره‌گیری از نقاط قوت و رسیدگی به نقاط ضعف، بنگلادش همچنان موقعیت خود را به‌عنوان یک بازیگر پیشرو در بازار جهانی نساجی و پوشاک جهان تقویت می‌کند.

۱- صنعتی سازی جایگزین واردات: یک سیاست تجاری و اقتصادی است که از جایگزینی واردات خارجی با تولید داخلی حمایت می‌کند. این سیاست بر این فرض استوار است که یک کشور باید از طریق تولید داخلی محصولات صنعتی سعی در کاهش وابستگی‌های خارجی خود داشته باشد.

۲- MULTI FIBRE ARRANGEMENT

انرژی در فرآیندهای تولید، نگرانی‌های زیست محیطی را برانگیخته است.

۶۰ درصد از آلودگی حوزه آبخیز داکا از زباله‌های صنعتی است که در آن، ضایعات دباغی سهم اول و پساب نساجی رتبه دوم را داراست.

بیش از ۷۰۰ کارخانه شست‌وشو، رنگرزی و تکمیل، فاضلاب‌های خود را به آب رودخانه‌های داکا می‌ریزند.

تنها در سال ۲۰۱۶ این کشور ۲۱۷ میلیون متر مکعب فاضلاب تولید کرده و کارخانه‌های پوشاک آن به طور سالیانه ۱۵۰۰ میلیارد لیتر آب مصرف می‌کنند.

* ظهور صنعت پوشاک ویتنام

توافقنامه تجارت ترجیحی بین ویتنام و اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۲۰ امضا شد، از جمله عواملی است که موجب افزایش صادرات پوشاک این کشور به اروپا و تهدید جایگاه بنگلادش شد.

داده‌های تجاری مرتبط با واردات ایالات متحده آمریکا نیز نشان از نگران کننده بودن پیشروی این صنعت ویتنام برای بقا بنگلادش است.

در سال ۲۰۲۰ واردات پوشاک ویتنامی به آمریکا ۲/۵ برابر ارزش واردات پوشاک از بنگلادش بود.

شد و اتحادیه ایمنی کارگران بنگلادش و شورا پایداری RMG شکل گرفت.

گزارشات نشان می‌دهند مدیران نگرانی‌های مرتبط با ایمنی را جدی‌تر گرفته اند، هزاران کارخانه در اقدامات پیشگیرانه برای ایمن سازی محیط‌های کاری سرمایه‌گذاری کرده اند و تا سال ۲۰۱۸ تقریباً صد هزار خطر شناسایی شده در کارخانه‌ها برطرف شده است.

با این وجود، عدم تعادل قدرت میان برندهای بزرگ غربی و تامین کنندگان بنگلادشی همچنان ادامه دارد و اتحادیه‌های بنگلادش، از ادامه فشار برندهایی همچون ZARA، H&M، BENETTON، GAP بر تولید کنندگان، از جمله تاخیر در پرداختها، ایجاد تغییرات لحظه آخری و درخواست تخفیفات بیشتر ادامه می‌دهند که همگی اینها موجب فشار بیشتر و بیشتر بر کارگران این بخش میشوند.

* آلودگی‌های محیط زیست

کارگران پوشاک تنها کسانی نیستند که از ضعف مدیریت منابع و پیروی نکردن از استانداردها در بنگلادش رنج می‌برند، بلکه آمار مرتبط با تخریب محیط زیست صنعت نساجی این کشور نیز بسیار تکان دهنده است. استفاده بیش از حد از آب، مواد شیمیایی و